

بررسی برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی

طلاق شهر تبریز طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹

دکتر علیرضا کلدی^۱ و عین‌الدین شعبانی^۲

چکیده

در این پژوهش ضمن بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق، سعی شده است مطابق با امکانات و پتانسیل‌های موجود منطقه‌ای پیشنهادهایی به سازمان‌های ذیربط ارائه گردد تا در کار طراحی و برنامه‌ریزی آنها را یکار ببینند. این پیشنهادها با توجه به رویکرد توانمندسازی نسبت به شناخت و ظرفیت‌سازی برای حل مشکلات موجود در روابط بین اعضاء خانواده (و بالاخص زوجین) از اهمیت برخوردار خواهد بود. با توجه به ساختارهای موجود در نظام برنامه‌ریزی محلی و درگیری سازمان‌ها و ارگان‌های ذیربط با رویداد طلاق و پیامدهای آن طراحی زمینه‌های ایجاد پایداری بیشتر در خانواده‌ها و روابط زوجین بویژه زوجین جوان می‌توان بر یافته بررسی تأکید نمود.

روش کار در این پژوهش با توجه به هدف بررسی، تلفیقی از روش‌های پیمایشی و توصیفی - تحلیلی و مقطعی است. جامعه آماری شامل زوجین متقاضی طلاق طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ مراجعه کننده به دادگاه خانواده شهید مدنی تبریز می‌باشد که تعداد آن برای سال ۱۳۷۹، ۱۰۹۸ نفر و برای سال ۱۳۸۰، ۱۱۹۸ نفر است که با در نظر گرفتن حجم نمونه ۱۵ درصدی برای سال ۷۹ بالغ بر ۱۶۴ فقره و برای سال ۸۰، ۱۸۰ فقره بوده است. در جمع ۳۴۴ فقره پرونده تقاضای طلاق مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده از تحقیق مذکور در شهر تبریز نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار بین دخالت‌های دیگران و تقاضای طلاق است.

واژگان کلیدی

تقاضای طلاق - اختلاف فرهنگی - اختلاف طبقاتی - خشونت - اعتیاد - دخالت دیگران

۱- دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیات علمی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

مقدمه

قرار گرفتن پژوهشگران در چارچوب‌های نظری و فرض‌های از پیش‌ساخته موجب شده است تا مسایل درونی خانواده‌ها و مشکلاتی که در ساختارها و روابط آنها وجود داشته، با نگاهی یک سویه تحلیل شده و راه‌کارها نیز بیشتر بدون توجه به علل و عوامل مؤثر موجد با آن ارائه شود. با مدنظر قراردادن چنین وضعیتی پیامد این کار از ابتدا بدیهی و مشخص بنظر می‌رسد. و علت آن این است که وقتی شناخت صحیحی از علل موجود در بین نباشد بالطبع بدنبال خود راه حل منطقی و صحیحی را درپی نخواهد داشت و مسایل همراه با همان وضعیت حل نشده قبلی پایدار می‌ماند.

رسم رایج در روش‌شناسی پژوهش‌های اجتماعی، طرح فرضیه در چارچوب نظریه‌های کلان و تهیه پرسشنامه و سپس قدم نهادن در راهی به سمت اثبات ارتباط یا عدم ارتباط معنی‌دار رخدادها و پدیده‌ها با یکدیگر است. در این روش‌شناسی محقق در چارچوبی قرار می‌گیرد که نظریه کلان آن را از قبل تعیین نموده است. براساس این نحوه طرح مسئله، محقق باید به دنبال شناخت ارتباط بین عوامل موجود و اثبات این ارتباط باشد و در این پژوهش درصدد اثبات ارتباط بین عوامل اجتماعی مشخص مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق طی دو سال ۸۰-۱۳۷۹ در شهر تبریز هستیم.

همان‌طوری که می‌دانیم طلاق پدیده‌ای تاریخی است و با پیدایی ازدواج همگام است. و به قول ولتر؛ ازدواج و طلاق در این جهان تقریباً باهم متولد شده‌اند. شاید ازدواج چند روزی زودتر متولد شده باشد. زیرا پس از زناشویی و گذشت چند روز کار زن و شوهر به زدو خورد و طلاق کشیده شده است. حقیقت این است که ازدواج و طلاق از سابقه طولانی برخوردارند و هر دو برای بشر لازم و ضروری‌اند (حقانی زنجانی، ۱۳۶۵). لیکن در بسیاری

از جوامع پدیده طلاق و تقاضای آن به دلایل عدیده‌ای روبه افزایش نهاده است، و در جامعه ما نیز که از آسیب‌های اجتماعی قرن حاضر جوامع صنعتی به دور نمانده است، این مسئله بوضوح به چشم می‌خورد و توجه به همین پدیده، تحقیق حاضر را شکل بخشیده است. سوال اصلی این است، عوامل عمده اجتماعی که بر تقاضای طلاق زوجین مؤثرند کدامند؟ در این تحقیق ضمن بررسی اهم علل و عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق، ارائه راه‌کارهای عملی به منظور کاهش این معضل اجتماعی در شهر تبریز مورد توجه قرار گرفته است.

نگاه اجمالی به آمار طلاق نشان می‌دهد که سال به سال بر تعداد تقاضاهای طلاق و در نتیجه وقوع این رویداد افزوده می‌شود. هرچند شاهد نوساناتی در این زمینه بوده و هستیم. در سال ۱۳۵۰ براساس آمار اداره کل آمار قضایی ۲۲/۶۵ درصد ازدواج‌ها به طلاق منجر شده است ولی درسالهای ۵۴ و ۵۵ به طور متوسط ۹ درصد و در سال ۵۷ و ۵۸ این میزان به ۶ درصد تقلیل یافته است. و این کاهش در کلی‌ترین تحلیل مؤید این مطلب خواهد بود که شرایط اجتماعی و روند تحولات آن تا چه اندازه در افزایش و کاهش طلاق مؤثرند. لیکن از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۶۸ مجدداً میزان طلاق به سطح متوسط ۹ درصد افزایش یافته است.

بررسی آمار طلاق کشور طی سال‌های اخیر نشانگر روند روبه افزایش این رویداد اجتماعی است. به‌طوری که در طی سال ۱۳۷۶ میزان طلاق در سطح کشور ۱۲ درصد بوده است. (نقل از صفحه ۱۴ روزنامه ایران در سال ۱۳۷۷).

آمار سازمان ثبت احوال کشور در نیم سال اول سال ۱۳۷۸ حاکی از ۲۴۱۸۲ مورد طلاق بوده که در مقایسه با نیمسال ۱۳۷۷، ۱۸/۵۲ درصد افزایش نشان می‌دهد (نقل از فرهنگ آفرینش،

به طوری که تنها در بهار سال ۱۳۷۸ تعداد ۱۱۰ هزار و ۴۹۴ فقره پرونده طلاق در دفاتر طلاق کشور ثبت شده است. به عبارت دیگر تعداد طلاق در سال ۱۳۷۸، ۵۱ هزار و ۴۴ فقره بوده که نسبت به سال ۱۳۷۷، ۲۰/۴۱ درصد افزایش داشته است.^۱

میزان طلاق در مناطق مختلف کشور متفاوت است به نحوی که میزان طلاق در نقاط شهری سه برابر جامعه روستایی بوده است. در بین مناطق شهری نیز این تفاوت قابل توجه است. جهت مزید اطلاع کافی است متذکر شود که میزان طلاق در شهر تهران بالاتر از نقاط دیگر و افزایش آن نیز چشمگیر بوده است تا جایی که آمار طلاق شهر تهران در مقایسه با سال ۱۳۷۹ به میزان ۲۱ تا ۲۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد.^۲

در استان آذربایجان شرقی میزان نسبت تعداد طلاق به ازدواج برای سال ۱۳۷۶، ۵/۶ درصد، برای سال ۱۳۷۷ ۵/۹ درصد و برای سال‌های ۷۹ و ۸۰ به ترتیب برابر با ۴/۸ درصد (مناطق شهری ۶/۳ درصد و مناطق روستایی ۰/۹ درصد) و ۶/۶ درصد (مناطق شهری ۸/۹ درصد، مناطق روستایی ۱/۸ درصد) بوده است، که همچون سایر مناطق کشور می‌باشد. در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ این میزان برای شهر تبریز به ترتیب ۷/۹ درصد و ۱۱/۸ درصد محاسبه شده که نشان‌دهنده افزایش در میزان طلاق می‌باشد.^۳

۱- پهلوان‌زاده، سعید (۱۳۸۰). مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق.

اصفهان: انتشارات کنکاش

۲- مقاله‌ای با همین مضمون، اطلاعات، دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۸۰، ۱۳ صفحه

۳- ماخذ: آمار اخذ شده از اداره کل ثبت احوال استان، ۱۳۸۰

اهداف

اهداف اصلی این تحقیق عبارت است از بررسی پاره‌ای از عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق در بین زوجین متقاضی طلاق می‌باشد که در سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ به مرکز مشاوره طلاق مستقر در دادگاه خانواده شهید مدنی شهر تبریز مراجعه نموده‌اند، تا با شناخت این عوامل و ارائه راهکارهای عملی و پیشنهادات لازم به مسئولین و برنامه‌ریزان اجتماعی منطقه بتوان نسبت به تخفیف یا کاهش عوامل اجتماعی مؤثر بر آن اقدام و حتی‌الامکان خانواده‌ها را از این معضل رهایی بخشید.

مبانی نظری

در تمامی جوامع مسئله طلاق وجود داشته و دارد. در تبیین این معضل اجتماعی، گروهی از اندیشمندان و صاحب‌نظران به مسئله تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی، طبقاتی و ... گروهی دیگر به مشکل ناشی از ساختار اجتماعی توجه نموده‌اند. بسیاری از جامعه‌شناسان حتی کنش‌های روانی انسان‌ها را نیز تحت تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه می‌دانند. در این تحقیق از نظریه کارکردگرایی ساختاری که ابتدا توسط دورکیم و اگوست کنت پایه‌گذاری شد و با کمک‌های تالکوت پارسونز و رابرت مرتن به جامعه‌شناسی بازگشت و به تکامل رسید برای بررسی موضوع مورد مطالعه استفاده شده است. در مطالعه هر جامعه معین باید دید چگونه نهادها یا اجزاء مختلف آن به هم می‌پیوندند تا حیات جامعه در طول زمان تداوم یابد. به عبارت دیگر، هر پدیده اجتماعی کارکردی معین برعهده دارد که به نحوی در دوام و اداره جامعه مؤثر است.

در علم جامعه‌شناسی مفهوم ساخت در مجموعه روابط اعضای یک نظام اجتماعی آنقدر اهمیت یافت که بینش جدیدی به نام کارکردگرایی ساختاری به وجود آمد و در آمریکا طرفدارانی پیدا کرد. در این نظریه تأکید بر این است که نظام و مراتب اجتماعی را که جامعه‌شناسان بدان نام (ساخت) نهاده‌اند طوری در نظر بگیریم که باتوجه به روش‌ها و شیوه‌هایی که این ساخت‌ها سازمان پیدا کرده‌اند، دارای آثار نظام یافته باشند. ساخت را مجموعه روابط الگو شده نیز می‌نامند. مثل روابط اربابان با مردم عادی.

تأثیر یک نقش در محیط اجتماعی ساخت یافته چیست؟ یا تأثیر یک نهاد بر محیط نهادی ساخت یافته چیست؟ سوال مهمی است که در اینجا قابل طرح است پاسخ کارکردگراها می‌باشد که در مورد اول نقش نه ایفاگر نقش و درمورد دوم نهاد، مسئول اثر جمعی همه اعمال شخصی است که باید در نظر گرفته شود و در سطح نهادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در کارکردگرایی مفهوم نظام اجتماعی است. در اندیشه پارسونز نظام اجتماعی مفهومی وسیع‌تر از ساخت اجتماعی است؛ زیرا نظام اجتماعی علاوه بر جنبه ساختی شامل جنبه کارکردی نیز می‌شود. پدیده‌های تشکیل‌دهنده یک نظام اجتماعی نیز که اجزای آن محسوب می‌شوند در همبستگی و بقای کل نظام تاثیر دارند. این همبستگی، هم در روابط کارکردی و هم در مجموعه سیستمی ظاهر می‌شود و باعث نوعی سازگاری و تعادل پویا میان اجزا و کل می‌شود.

کارکردگرایی ساختاری یکی از تئوری‌های مبتنی بر وفاق است. تئوری که اجتماع را براساس نظم ارتباط درونی و تعادل بین بخش‌های مختلف یک نظام اجتماعی و اساس یک نظام اجتماعی را بر شالوده هنجارها و ارزش‌های اجتماعی استوار می‌داند. توجه و تمرکز بر نظم

اجتماعی مبتنی بر توافقات صریح یا ضمنی بین گروه‌ها و سازمان‌ها دانسته و معتقد است که تغییر اجتماعی براساس یک اسلوب منظم و به آهستگی تحقق می‌پذیرد. این تئوری درست نقطه مقابل نظریه تضاد قرار دارد.^۱ تحقیقاتی که تاکنون در رابطه با بررسی علل و عوامل مختلف اثر گذار بر پدیده طلاق صورت گرفته است آن را از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده است. در پژوهش حاضر نیز قصد بر آن است تا موضوع تقاضای طلاق و درنهایت وقوع این رویداد از دیدگاه کارکردگرایی ساختاری که در واقع همان عمل به وظایف و تکالیف هریک از اجزا و عناصر اجتماعی، در قالب یک رابطه که پویا و مؤثر مورد بررسی قرار گیرد. طبق این نظریه سازگاری این رابطه که به نوبه خود باعث حفظ نظم اجتماعی و نگه‌داشتن جامعه در یک حالت تعادل و توازن نهایی بین اجزا آن می‌گردد. یعنی در واقع همان زوجین که با تشکیل زندگی مشترک به ایجاد و حفظ تعادل پویای نظام اجتماعی کمک می‌کنند، مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرند، تا ضمن بررسی رابطه بین هرکدام از زوجین به عنوان عضوی از اجتماع و دلیل ناکارآمدی این رابطه که به دنبال خود مسئله تقاضای طلاق و طلاق را در مواردی باعث گردیده است در صورت امکان راه‌حل‌های پیشنهادی برای کاهش عوامل منفی و مخرب اثرگذار بر این رابطه ارائه گردد که با عمل بدانها خانواده‌های در معرض رویداد را از این پدیده گسترده و منفی نجات بخشیده و جامعه را هم در تعادل پویا نگه دارد.

روش تحقیق

نوع مطالعه در این تحقیق پیمایشی، توصیفی و دوره‌ای است. جامعه مورد بررسی پرونده‌های زوجین متقاضی طلاق طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ که به مرکز مشاوره طلاق در شهر

تبریز مراجعه کرده‌اند، می‌باشد. نمونه موردنظر به میزان ۱۵ درصد از کل پرونده‌های موجود در مرکز به روش نمونه‌گیری تصادفی منظم انتخاب گردیده‌اند. اطلاعات مندرج در پرونده‌ها به چک لیستی که حاوی ۳۶ سوال می‌باشد، منتقل گردیدند. پس از تکمیل اطلاعات، در تجزیه و تحلیل داده‌ها برای ارائه آمار توصیفی از جداول فراوانی و درصد ساده و نیز رسم نمودار برای ارائه آمار استنباطی از دو آمار کای اسکور برای تحلیل فرضیات مربوط به عوامل اجتماعی موثر بر تقاضای طلاق در شهر تبریز استفاده گردیده است.

یافته‌ها

تعداد پرونده‌های مورد بررسی برای سال ۷۹ برابر با ۱۶۴ و برای سال ۸۰ برابر با ۱۸۰ فقره (جمعاً ۳۴۴ فقره) می‌باشد. خلاصه‌ای از نتایج بدست آمده بشرح زیر است:

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی و درصد متغیر جنسیت متقاضیان طلاق

جنسیت	فراوانی	درصد
مونث	۲۵۶	۷۴/۴
مذکر	۸۷	۲۵/۳
بی‌جواب	۱	۰/۳
جمع	۳۴۴	۱۰۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۱ بیشترین درصد فراوانی (۷۴/۴ درصد) مربوط به جنس مونث و کمترین درصد فراوانی (۲۵/۳) مربوط به جنس مذکر است و ۰/۳ درصد نیز بی‌جواب می‌باشد. علت بالا بودن درصد متقاضیان زن را احتمالاً می‌توان به فشار بیش از حد

زندگی و عدم توان تحمل آن دانست که همسران برای رهایی از این وضعیت تقاضای طلاق نموده‌اند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصد متغیر سنی متقاضیان طلاق

سن	فراوانی	درصد
۲۰-۱۶	۴۶	۱۳/۴
۲۵-۲۱	۷۶	۲۲/۱
۳۰-۲۶	۹۲	۲۶/۷
۳۵-۳۱	۲۸	۸/۱
۴۰-۳۶	۴۸	۱۴/۰
۴۵-۴۱	۲۱	۶/۱
۵۰-۴۶	۱۷	۴/۹
+۵۰	۱۶	۴/۷
جمع	۳۴۴	۱۰۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۲ بیشترین درصد فراوانی (۲۶/۷) مربوط به زوج‌هایی است که در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سالگی قرار داشته‌اند و کمترین درصد فراوانی (۴/۷) درصد مربوط به زوج‌هایی است که در گروه سنی بالاتر از ۵۰ سال قرار دارند. براساس داده‌های این جدول زوجین متقاضی طلاق: ۱۳/۴ درصد در گروه سنی ۱۶-۲۰ سال، ۲۲/۱ درصد در گروه سنی ۲۱-۲۵ سال، ۸/۱ درصد در گروه سنی ۲۱-۳۵ سال، ۱۴ درصد در گروه سنی ۳۶-۴۰ سال، ۶/۱ درصد در گروه سنی ۴۱-۴۵ سال و ۴/۹ درصد در گروه سنی ۴۶-۵۰ سال قرار دارند.

نتیجه حاصل از این جدول نشان می‌دهد که:

- (۱) بیش از نیمی از زوجین متقاضی طلاق در گروه سنی ۱۶-۳۰ سال قرار دارند که بیانگر تقاضای طلاق در چند سال اول زندگی مشترک آنان می‌باشد.
- (۲) ۱۳/۴ درصد از متقاضیان طلاق در گروه سنی ۱۶-۲۰ سال قرار دارند.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی و درصد سطح تحصیلات زوج .

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۳۷	۱۰/۸
زیردیپلم	۲۰۳	۵۹/۰
دیپلم	۶۱	۱۷/۷
فوق دیپلم	۱۲	۳/۵
لیسانس	۲۲	۶/۷
بالتر از لیسانس	۸	۲/۳
جمع	۳۴۴	۱۰۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۳ بیشترین درصد فراوانی (۵۹ درصد) مربوط به زوج‌هایی است که دارای تحصیلات زیر دیپلم و کمترین درصد فراوانی (۲/۳ درصد) دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. البته این ارقام با توجه به توزیع سطح تحصیلات در جامعه افراد حداقل یکبار ازدواج کرده معنی‌دار است زیرا که درصد دارندگان تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر از رقم یاد شده فاصله چندانی ندارد.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی و درصد سطح تحصیلات زوجه

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۴۷	۱۳/۷
زیردیپلم	۱۷۲	۵۰
دیپلم	۹۰	۲۶/۲
فوق دیپلم	۸	۲/۳
لیسانس	۲۴	۶/۹
بالتر از لیسانس	۳	۰/۹
جمع	۳۳۴	۱۰۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۴ بیشترین درصد فراوانی (۵۰ درصد) مربوط به زوج‌هایی است که دارای تحصیلات زیر دیپلم و کمترین درصد فراوانی (۰/۹ درصد) مربوط به زوج‌هایی است که دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس می‌باشند. براساس داده‌های این جدول زوجه‌های متقاضی طلاق: ۱۳/۷ درصد بی سواد، ۲۶/۲ درصد دیپلم، ۲/۳ درصد فوق دیپلم، ۶/۹ درصد لیسانس می‌باشند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی و درصد تقاضای طلاق در بین متقاضیان طلاق

وضعیت تقاضای طلاق	فراوانی	درصد
منجر به طلاق	۲۳۰	۶۶/۹
منجر به سازش	۸۰	۲۳/۲
تحت اقدام	۳۰	۸/۷
بی جواب	۴	۱/۲
جمع	۳۴۴	۱۰۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۵ بیشترین درصد فراوانی (۶۶/۹ درصد) مربوط به متقاضیانی است که تقاضای طلاق آنها منجر به طلاق و کمترین درصد فراوانی (۸/۷ درصد) مربوط به متقاضیانی است که تقاضای طلاق آنها تحت اقدام می‌باشد. براساس داده‌های این جدول: ۲۳/۲ درصد از تقاضاهای طلاق منجر به سازش گردیده است و ۱/۲ درصد نیز پاسخ به سوال مزبور را بی‌جواب گذاشته‌اند. نتیجه بدست آمده نشان می‌دهد که از یک طرف درصد بالایی از تقاضاهای طلاق منجر به طلاق گردیده و از طرف دیگر اقدامات بخش مشاوره طلاق تاحدی توانسته است مسائل و مشکلات زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به بخش مشاوره را رفع نموده و با سازش دادن، آنها را به زندگی مشترک بازگرداند که با تجمیع تقاضاهای منجر به سازش و تحت اقدامی‌ها که درصدی از آنها نیز منجر به سازش خواهند شد، به راحتی می‌توان به اهمیت وجود این مراکز پی‌برد زیرا که توانسته‌اند با ایجاد سازش بین نزدیک به یک چهارم افراد متقاضی طلاق، آنها را به زندگی مشترک دوباره سوق دهند و مانع از آسیب‌های اجتماعی متعاقب طلاق و اثرات سوء آن بر سطح خانواده‌ها و جامعه گردند. هرچند نتیجه‌گیری کلی از کار این مراکز نیازمند بررسی و تعمق بیشتری است.

جدول شماره ۶: میزان ارتباط بین دخالت دیگران و تقاضای طلاق

متغیر وابسته متغیر مستقل	طلاق	سازش	تحت اقدام	جمع کل
دخالت دیگران	۱۳۹ (۶۰/۷)	۳۹ (۴۹/۴)	۲۰ (۷۴/۱)	۱۹۸ (۵۹/۱)
عدم دخالت دیگران	۹۰ (۳۹/۳)	۴۰ (۵۰/۶)	۷ (۲۵/۹)	۱۳۷ (۴۰)
جمع	۲۲۹ (۶۸/۴)	۷۹ (۲۳/۶)	۲۷ (۸/۱)	۳۳۵ (۱۰۰)

کای اسکور	درجه آزادی	سطح معنی داری
۵/۸۴۳	۲	۰/۰۴۹

همان طوری که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد بیش از ۶۰ درصد از افراد متقاضی طلاق دخالت دیگران را محمل تقاضای خود قید کرده‌اند در حالی که ۳۹/۳ درصد این افراد تحت تاثیر دخالت دیگران قرار نداشته‌اند.

درحالی که در افراد سازش یافته دخالت دیگران ظاهراً تاثیر کمتری داشته است. به طوری که ۴۹/۵ درصد افراد سازش یافته تاثیر دخالت دیگران را تأیید نموده‌اند و ۵۰/۶ درصد افراد دخالت دیگران را بی‌تاثیر دانسته‌اند.

اما وضعیت فوق‌الذکر در مورد گروه سوم متقاضیان طلاق یعنی تحت اقدامی‌ها کاملاً برعکس است. به طوری که ۷۴/۱ درصد این افراد تحت تاثیر دخالت دیگران قرار داشته و ۲۶ درصد آنها تحت تاثیر چنین دخالتی نبوده‌اند. این تفاوت‌ها ممکن است ناشی از محدودیت تعداد نمونه‌ها و تفاوت تعداد آنها در بین طبقات مذکور باشد.

با توجه به مطالب فوق و مقدار کای اسکور بدست آمده به میزان $0/84$ با 2 درجه آزادی و سطح معنی داری $0/049$ فرضیه صفر رد می‌شود یعنی بین تقاضای طلاق و دخالت‌های دیگران رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۷: میزان ارتباط بین اعتیاد و الکلیسم و تقاضای طلاق

متغیر وابسته متغیر مستقل	طلاق	سازش	تحت اقدام	جمع کل
اعتیاد و الکلیسم	۴۳ (۱۸/۸)	۱۷ (۲۱/۵)	۶ (۲۱/۴)	۶۶ (۱۹/۶)
عدم اعتیاد و الکلیسم	۱۸۶ (۸۱/۲)	۶۲ (۷۸/۵)	۲۲ (۷۸/۶)	۲۷۰ (۸۰/۴)
جمع	۲۲۹ (۶۸/۲)	۷۹ (۲۳/۵)	۲۸ (۸/۳)	۳۳۶ (۱۰۰)

کای اسکور	درجه آزادی	سطح معنی داری
۰/۳۴۱	۲	۰/۸۴۳

همان‌طوری که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد $18/8$ درصد از متقاضیان طلاق دارای اعتیاد به مواد مخدر اعلام شده‌اند. درحالی‌که 81 درصد فاقد اعتیاد بوده‌اند. همین حالت با کمی تغییر در مورد افراد سازش یافته ($21/5$ درصد دارای اعتیاد و $78/5$ درصد فاقد اعتیاد) و نیز افراد تحت اقدام ($21/5$ درصد دارای اعتیاد و 78 درصد فاقد اعتیاد) صادق است. بنابراین با توجه به مطالب فوق و مقدار کای اسکور بدست آمده به میزان $0/341$ با 2 درجه آزادی و سطح معنی داری $0/843$ فرضیه صفر مورد قبول قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر ظاهر امر نشان می‌دهد که بین تقاضای طلاق و اعتیاد و الکلیسم رابطه معنی داری وجود ندارد. البته این نتیجه‌گیری مستلزم بررسی بیشتری است.

ضمناً به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای اعتیاد و الکلیسم، اختلاف فرهنگی، اختلاف طبقاتی، آگاهی زنان و خشونت خانگی با تقاضای طلاق از آزمون کای اسکور به منظور تحلیل فرضیات مربوطه استفاده گردید که رابطه معنی داری بین آنان بدست نیامد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر سعی بر آن بود که به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق در زوجین متقاضی طلاق طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ در شهر تبریز پرداخته شود تا مشخص گردد که بین برخی از عوامل اجتماعی و تقاضای طلاق ارتباط معنی‌داری وجود دارد یا خیر؟

به‌طورکلی از داده‌های بدست آمده در این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که باوجود تعصب و حمایت خاصی که نسبت به خانواده و حفظ کانون گرم و صمیمی آن در تبریز وجود دارد، به ویژه صبوری و تحمل زنان آذربایجانی در برابر مشکلات و علاقه شدید آنان نسبت به خانواده، میزان تقاضای طلاق منجر به وقوع رویداد مانند سایر مناطق ظرف سال‌های اخیر در این شهر افزایش یافته است. احتمال دارد که این افزایش در آینده نیز تداوم یابد. (سال ۸۰ در مقایسه با سال ۷۹ افزایشی معادل با ۹/۱ درصد را نشان می‌دهد).

باید گفت هر پدیده معلول علت یا عللی است و طلاق نیز به‌عنوان یک پدیده اجتماعی معلول علل و عوامل متعددی است و ازطرفی، خود می‌تواند به‌عنوان علت و سرمنشأیی برای سایر آسیب‌ها و پدیده‌های اجتماعی محسوب گردد و جامعه را با مخاطراتی روبرو سازد که گاه‌آگاهان آن مشکل می‌نمایند.

درست است که طلاق گاه می‌تواند زن یا شوهری را از رنج و مشقت یک زندگی مشترک ناپسامان نجات دهد ولی پیامدهای روحی، روانی و جسمانی زیادی را به دنبال دارد که گاه تلافی آنها مشکل و درموردی ناممکن است.

نتیجه جالب توجهی که از پژوهش حاضر بدست آمد و در پژوهش‌های مشابه بدان کمتر توجه گردیده است آن است که در بسیاری از موارد علتی بعنوان علت واحد تقاضای طلاق مطرح

گردیده است که خود این علت واحد ریشه در علل و عوامل پیدا و ناپیدای متعدد دیگر داشته است. یعنی علل اظهاری تقاضای طلاق صوری و ناشی از برداشت سطحی متقاضی یا زمینه‌های قانونی است و چون از ابتدا با تشخیص درستی همراه نبوده نمی‌توان براساس آن دلایل و ارائه پیشنهادات و راه‌حلهایی نسبت به تخفیف و یا حذف آن‌ها اقدام نمود، به همین دلیل هر روزه شاهد افزایش در میزان طلاق می‌باشیم. به عنوان مثال عدم تمکین زوجه که خود به‌عنوان عامل طلاق در موارد متعددی مطرح می‌گردد خود ناشی از عوامل مختلفی همچون: ندادن نفقه و خرجی، دخالت مادر شوهر در زندگی خصوصی زوجین، فقدان مسکن و یا درآمد و حتی گاهی مسایل ریز بسیاری که در نهایت عدم رفع آن توسط زوج باعث عدم تمکین از طرف زوجه می‌گردد و خود را در قالب عدم تمکین ظاهر می‌نماید، به همین دلیل عدم شناخت درست ریشه مسایل باعث حل نشدن آن گشته و مشکلات به صورت یک دایره معیوب باقی می‌مانند.

در بحث پایانی نتیجه‌گیری از دست آورد پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه کارکردگرایی ساختاری براساس اطلاعات بدست آمده از آزمون متغیرهای مورد پژوهش که شامل معدودی از عوامل مربوط به طلاق مانند: سطح تحصیلات، اعتیاد و الکلیسم، دخالت‌های دیگران و آگاهی زنان از قوانین مدنی کشور پیرامون طلاق می‌باشد. می‌توان ادعا نمود که زوجین متقاضی طلاق به عنوان عضوی از اعضا اجتماع دارای کارکرد بوده و وظایف خویش را که همانا مدیریت منزل، تربیت فرزند، کمک به تأمین مخارج خانواده، در کنار شوهر بودن، احساس مسئولیت نسبت به زندگی خویش به‌عنوان عضو مکمل آن و بالاخره تعهد به هرآنچه که برطبق موازین شرعی و قانونی برعهده یک زن نهاده شده است به‌عنوان یک عنصر اجتماعی به‌نحو احسن به انجام رسانیده‌اند. به عنوان مثال در متغیرهای مربوط به سطح

تحصیلات، الکیسم و اعتیاد و آگاهی زنان که در تحلیل مربوطه با تقاضای طلاق از رابطه معنی‌داری برخوردار نمی‌باشند، تحت عنوان کارکرد مثبت (پویایی مثبت) و تنها متغیر مربوط به دخالت‌های دیگران در زندگی خصوصی زوجین با تقاضای طلاق (که از رابطه معنی‌داری برخوردار بوده است) به عنوان کارکرد منفی مدنظر قرار می‌گیرد که در صورت تایید نهایی این عامل نقش عامل بازدارنده در روابط پویای زوجین و نیز برهم زنده تعادل نظام خانواده و در نهایت نظم اجتماعی را ایفا می‌نماید.

پیشنهادات

با توجه به اهمیت پدیده طلاق و شیوع فزاینده آن در جوامع شهری و روستایی پیشنهاد می‌گردد :

تحقیقات مشابهی در سایر نقاط شهری و روستایی کشور بلحاظ بررسی تاثیر تفاوت‌های فرهنگی صورت گیرد و به‌منظور ریشه‌یابی بهتر عوامل موثر بر طلاق مطالعات و بررسی‌های جامع‌تری تحقق پذیرد.

اطلاع‌رسانی علی‌الخصوص از طریق صدا و سیما با ساخت و ارائه فیلم‌های مرتبط با خانواده، به‌منظور اشاعه فرهنگ پرهیز از دخالت اطرافیان بویژه والدین زوجین در زندگی خصوصی فرزندان‌شان توسعه یابد تا از دامن زدن به اختلافات و پیش‌آمدن اصطکاک و تنش کاسته گردد و چنانچه مشکلی نیز در زندگی وجود داشته باشد با همفکری خود زوجین حل و فصل گردد.

به منظور پیشگیری از طلاق، مؤسسات و مراکز مشاوره روان‌شناختی فعال در کنار دادگاه‌های خانواده بوجود آید تا در موارد لزوم زن یا شوهر و یا هر دو بتوانند به متخصصان و مشاوران مراجعه نموده و مشکلات خود را با کمک گرفتن از آنان حل و فصل نمایند.

اجرای طرح آموزش زندگی خانواده F.L.E برای زوجین جوان که در سال‌های اولیه زندگی خویش هستند برای رفع مشکلات احتمالی در زندگی مشترک و چگونگی کنار آمدن با این مشکلات.

توجیه مسئولین نظام قضایی کشور بمنظور همکاری با پژوهش‌گران اجتماعی برای انجام پژوهش و کار بررسی پرونده‌های طلاق و یا تقاضاهای طلاق تا بتوان با بررسی آنها و شناخت مشکلات واقعی منتهی به طلاق با ارائه راه‌حل‌ها و پیشنهادات به مسئولین.

منابع

- ۱- آمار اداره کل ثبت احوال استان آذربایجان شرقی.
- ۲- پل پرسان. (۱۳۷۹). قدرت خانواده. (ترجمه فروزان گنجی زاده). تهران نشر دایره.
- ۳- پهلوان زاده ، سعید. (۱۳۷۹). تغییرات حاصله در روابط بین والد و کودک متعاقب طلاق. مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری طلاق. اصفهان. انتشارات کنکاش.
- ۴- تایبر. (۱۳۷۲). بچه‌های طلاق. (ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)). تهران. ناشر مترجم.
- ۵- توسلی ، غلامعباس. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی. چاپ نهم. تهران. انتشارات سمت.
- ۶- ساروخانی ، باقر. (۱۳۷۶). طلاق ، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران. دانشگاه تهران.
- ۷- ستوده هدایت ... (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). چاپ پنجم. ویرایش دوم. تهران. انتشارات آوای نور.
- ۸- سازمان بهزیستی استان اصفهان (معاونت امور فرهنگی و پیشگیری). (۱۳۷۹). مجموعه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق. اصفهان انتشارات کنکاش.
- ۹- سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی. مرکز مشاوره طلاق مستقر در دادگاه خانواده.
- ۱۰- فیلیپ، اچ. برنشتاین. ماری. تی. برنشتاین. شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی (زناشویی درمانی). ترجمه حمیدرضا سهرابی. تهران. انتشارات جیحون.
- ۱۱- فرجاد محمد حسین. (۱۳۷۷). بررسی مسایل اجتماعی ایران. تهران نشر اساطیر.
- ۱۲- کی‌نیا ، مهدی (۱۳۷۶). مبانی جرم‌شناسی. جلد سوم. بخش سوم طلاق. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- کار مهرانگیز. (۱۳۸۰). پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران. تهران. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۱۴- گیدنز آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. (ترجمه منوچهر صبوری). تهران. نشر نی.
- ۱۵- مساواتی آذر، مجید. (۱۳۷۴). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات). تبریز انتشارات نوبل.
- ۱۶- ممتاز فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی. (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها). تهران. شرکت سهامی انتشار.
- ۱۷- مصلحتی ، حسین. (۱۳۷۹). ازدواج و ازدواج درمانی. تهران نشر البرز.
- ۱۸- نجم عراقی ، لعیا. (۱۳۸۱). چه کسانی طلاق می‌گیرند ؟ اعتماد.
- ۱۹- مددی حسین. (۱۳۸۰). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی در متقاضیان طلاق مرکز مشاوره بهزیستی اراک. پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.